



فیلم سینمایی «واحد مبارزه با پولشویی» به کارگردانی دیوید لیم، دوشنبه ۲۹ شهریور ساعت ۴۰ دقیقه بامداد از شبکه پنج پخش می‌شود.

به گزارش جام جم در خلاصه داستان این فیلم با بازی لوییس کو،

مبارزه با پولشویی در شبکه ۵

جولین چیونگ و کوین چنج؛ درباره لوک چیلیم رئیس واحد مبارزه با پولشویی است که بسیار هم در کارش جدی است او به دنبال یک باند بزرگ پولشویی است که ناگهان از طرف واحد مبارزه با جرایم دستگیر و به اتهام گرفتن رشوه ۱۲میلیونی، از کارش معلق می‌شود. لوک نمی‌تواند

انوش معظمی، بازیگری که نقش‌های عاشورایی زیادی در

کارنامه دارد، مهمان روزنامه جام جم شد

حرف زدن از «حرم‌له» برایم تکراری شده‌است



نوشین مجلسی
رسانه

«انوش معظمی سال‌هاست در تئاتر، سینما و تلویزیون، رخت شخصیت‌های گوناگون را به تن کرده‌است؛ شخصیت‌هایی که اغلب رنگی از پهلوانی داشتند یا چون اولیا و اشقیا از دل تاریخ بیرون آمدند. از پس تمام این‌ها بیشتر با نقش «حرم‌له» که با گریم و هیبتی خاص به قلم و فکر داوود میرباقری در سریال «مختارنامه» خلق شد، شناخته می‌شود. گرچه به ایفای این نقش مفتخر است اما در گفت‌وگویی که با ما در دفتر روزنامه داشت، برای نخستین بار مطرح می‌کند از بیان مکرر درباره آن به ستوه آمده و تمایل دارد از زاویه‌های دیگر هم به کارنامه کاری‌اش نگاه شود. معظمی در سریال‌ها و فیلم‌هایی چون چهل سرباز، مختارنامه، دلدنود طلا، رستاخیز، کلاشینکف، تک‌تیرانداز و... بازی کرده‌است و در گفت‌وگویش با ما که در روزنامه جام جم حاضر شده بود از شروع همکاری با میرباقری، تجربه ورزش باستانی، انس با ایام محرم، نقش نیمه‌کاره‌اش در سریال حکم رشد و... گفت که خواندنش را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

از گود زورخانه تا صحنه نمایش

سال ۷۶ با آقای میرباقری آشنا شدم. می‌شود گفت آن زمان با حضور در نمایش دلدنود طلا، اتفاق ویژه‌ای برایم افتاد. بعد از آن در مسافر ری، مصمصویت از دست رفته و... هم با ایشان همکاری کردم. اولین کار تصویری‌ام سال ۷۳ _ ۷۲ بود به کارگردانی آقای سیداحمد نجفی بود. مستند _ داستانی درباره زورخانه می‌ساختند و چون من ورزش‌های زورخانه‌ای انجام می‌دادم، در دو سکانس از این اثر حضور پیدا کردم. ورزش زورخانه‌ای را به صورت حرفه‌ای از نوجوانی شروع کردم و آن زمان چند مقام قهرمانی را در چرخ چمنی در سطح تهران، استان و ایران داشتم. کلا یک بازیگر فیزیکال هستم و معمولاً وقتی کارگردانان سراغ من می‌آیند اولین مزیت نسبی من برایشان همین فیزیکال بودن است. بخش زیادی از آن را مدیون ورزش مستمری هستم که در طول این سال‌ها انجام دادم. البته نقش‌های درون‌گرا را هم می‌توانم بازی کنم ولی بیشتر از من اکت بیرونی می‌خواهند. نرمش‌های بازیگری در برنامه‌ها هست ولی بدنم همیشه به خاطر انجام حرکات ورزش زورخانه‌ای آمادگی دارد. این فرم بدنی روی صحنه گاهی به کار آمده‌است و گاهی نه؛

حرم‌له‌ای دیگر

به‌شدت معتقدم نقش‌های منفی از لحاظ فنی جای کار بیشتری نسبت به نقش‌های مثبت دارد؛ به همان مقدار هم لبه تیف هستند. یعنی اگر یک مقدار از نقش‌ت خارج شوی و کار لو بورد، قافیه را باختی. البته من به بازی در نقش‌های مثبت هم علاقه دارم اما زمانی که یک برجسب به‌عنوان بازیگر نقش منفی در سینما ایران به پیشنهادی ات می‌خورد، دیگر پیشنهادهای مشابه آن به سمت سرازیر می‌شود. تا جایی که من دو جای دیگر هم پیشنهاد نقش حرم‌له را داشتم؛ برای یک مستند. داستانی پیشنهاد کردند که نپذیرفتم و یک کار عاشورایی هم آقای فرآورده دو سه سال پیش می‌خواستند بسازند که من در پیش تولیدش هم بودم ولی به دلایلی در همان مرحله ملغی شد. وقتی دعوت‌م کردند فکر

برای اولین بار می‌گویم که ...

به دلیل گریم سنگین مختارنامه شاید تا دو سال کمتر کسی از مردم من را می‌شناخت. بیشتر میان همکاران شناخته شده بودم. کم‌کم با حضور در مصاحبه‌های تلویزیونی و همچنین بازی در نقش‌های دیگر مردم هم من را شناختند. هنوز بسیاری باورش‌ان نمی‌شود نقش امان، جوجه‌لاتی که در «دندان طلا» دیدند را همان بازیگر حرم‌له در مختارنامه یا شمر در رستاخیز ایفا کرده‌است. تابه‌حال این را جایی را نگفتم‌ام و برای اولین مرتبه است که می‌خواهم عنوان کنم. حرف زدن مداوم درباره نقش حرم‌له برایم آزادهنده شده‌است. شاید یکی دو سال اول برایم جذابیت داشت که برای این نقش در برنامه‌های تلویزیونی، سمینارها و مصاحبه‌های مطبوعاتی دعوت می‌شدم؛ ولی رفته‌رفته مغوم شدم و باعث آزار روحی‌ام شد! احساس کردم همه دارند فقط یک زاویه از من را می‌بینند. درصورتی که من نقش‌های زیادی بازی کردم و در این نقش‌ها به لطف خدا و کمک کارگردانان خوب بودم. اگر تکرار این حرف‌ها از سمت مردم بود برایم جای پذیرش داشت و می‌توانستم آن را توجیه کنم چون مختارنامه محبوب است و خیلی دیده شده اما وقتی از طرف همکاران اهل تئاتر، سینما و تلویزیون یا در جراید و رسانه‌ها این اتفاق می‌افتد، واقعاً آزادهنده می‌شود. درحالی‌که این نقش را دوست دارم و افتخار می‌کنم به‌عنوان یک بازیگر با آثار عاشورایی، مذهبی و اعتقادی شناخته می‌شوم اما تمایل ندارم فقط دراین باره حرف بزنم. دوست دارم ژانرهای مختلف، از کم‌دی تا درام، تخیلی و ... را تجربه کنم.

آرزو دارم پوری‌ای ولی شوم

تاریخ را مطالعه می‌کنم و می‌شود گفت نوستالژی‌بازم. برخی دوره‌های تاریخی را خیلی دوست دارم و با خودم می‌گویم کاش در عصر پهلوانان به دنیا می‌آمدم و در همان عصر از دنیا می‌رفتم. به بعضی مقاطع دوران صفویه علاقه زیادی دارم؛ دورانی که هنوز قهوه‌خانه‌ها و حمام‌های عمومی وجود داشت و درعین حال به نوعی دوران شکوفایی ایران بود. با مطالعه قصه‌هایی که در این عصر می‌گذرد شاهد شخصیت‌پردازی‌های زیبا و فضایی پر از رنگ هستیم. زمانی که رمان «ده قزلباش» را می‌خواندم - بااین‌که نقدهایی به آن وارد است - مدام آن دوره را تصور می‌کردم و دوست نداشتم زندگی‌ام در زمان حال باشد. پوری‌ای ولی جزو شخصیت‌های تاریخی است که دوست دارم آن را بازی کنم. واقعاً آرزوی این نقش را دارم. کلا به دلیل سابقه‌ام در ورزش باستانی دوست دارم نقش پهلوانان مثل پهلوان حسن رزاز و پهلوان یزدی بزرگ را بازی کنم. دوران آنها رویایی و عجیب بوده‌است. دورانی که قول آدم، قول بود و معرفت بیشتری وجود داشت.

مثلاً چند مرتبه نقش پهلوان‌ها و اساطیر شاهنامه را بازی کردم اما در بعضی از نقش‌ها هم به دلیل عضلانی بودن، به زحمت اقدامت تا انعطاف بیشتری داشته باشم.

دوربین می‌تواند مخاطب را گول بزند و کارگردان آنچه را می‌خواهد به خورد مخاطب دهد اما روی صحنه نمایش همان چیزی که هست نشان داده می‌شود. اگر من نقش یک آدم معمولی را بازی کنم باید آن قدر روی انعطاف‌م کارکنم که این فیزیک طبیعی به نظر برسد. به همین دلیل در این ۲۰ سال تقریباً علاقه‌ام به ورزش زورخانه‌ای را سرکوب کردم. قطعاً زمانی بوده‌است که به خاطر فیزیکم نقش‌هایی را از دست دادم. دنیای هنر ما کوچک است و گاهی به گوشم می‌رسد که برای بعضی نقش‌ها وقتی اسمی از من برده می‌شود؛ می‌گویند خیلی عضلانی است و این نقش به قامت او نمی‌نشیند. درواقع فرصت بازی در آن نقش بدون این‌که اجازه داده شود اتود بزنم و آزمون پس دهم، از من گرفته شده‌است. البته نمایشی را ۱۳_۲۰ سال پیش با آقای فرهاد تجویدی کار کردم و آنجا پنج نقش را به‌عهده گرفتم که با یکدیگر متفاوت بود. آقای تجویدی گفتند چند صاحب‌نظر بیان کردند فکر نمی‌کردیم انوش آن قدر بتواند انعطاف داشته‌باشد! همیشه او را در نقش رستم، کاوه آهنگر، پهلوان پوری‌ای ولی یا نقش اشقیا ی کر بلا می‌دیدیم.

کردم یک نقش دیگر را می‌خواهند به من بدهند؛ کمی

زمینه‌سازی کردند و آرام‌آرام گفتند از تو همان نقش حرم‌له را می‌خواهیم. دلایل خود را داشتند. گفتند آن قدر در این نقش خوب بودی که نمی‌توانیم بپذیریم بازیگر دیگری آن را بازی کند. ببینند با تو ارتباط برقرار کرده‌است و این خطر وجود دارد که بازیگر دیگری را در این نقش نپذیرد. پس تا سربایی و می‌توانی، خودت این نقش را بازی کن. به نظرم انتخاب دوباره این نقش به لحاظ فنی می‌تواند اتفاق خوبی باشد اما به لحاظ مساله برجسب که اشاره کردم، چندان خوب نیست! انگار مهر تایید می‌رنی که من فقط همین یک نقش را بلدم. اگر پیشنهاد این نقش بار دیگر مطرح شود؛ بی‌رودربایستی باید همه جوره جذاب باشد تا آن را بپذیرم. همان موقع هم به آقای فرآورده گفتم من پلان‌هایی از زندگی شخصیت حرم‌له را بازی می‌کنم که در مختارنامه بازی نکرده باشم.

انس با محرم

انس با حال و هوای محرم و علاقه به این فضا، از پرقدنقادی حتی از بطن مادر با آدم است. بعدش هم از هیات و نشستن پای منبر می‌آید. من دنبال این علاقه رفتم. به اهل بیت و کارهای مذهبی ارادت ویژه دارم. البته نگاهم به کارهای مذهبی با برخی آثار سطحی که انجام می‌شود متفاوت است. دوست دارم اینجا نقدی را مطرح کنم. برخی مباحث مذهبی دچار خلط شده‌است. مثلاً در همین ماجرای کرنا عده‌ای آمدند در مورد ارادت به مذهب و ائمه شبهه ایجاد کردند و گفتند چرا دعاها جواب نمی‌دهد؟ من با عقل ناقصم یک پاسخ دارم. ائمه نیامدند دندان درد من را دوا کنند! نیامدند سنگ کلیه و میگردن را درمان کنند! اینجا نگاه سطحی به مذهب است. امام در این زمینه وظیفه‌ای ندارد که شما اگر بیماری‌ات شفا پیدا کرد ارادتت به او مضاعف شود و اگر خوب نشدی، از آنها ببری! در آموزه‌های دینی ما هم احترام به نظر طبیب و رعایت مسائل بهداشتی سفارش شده‌است. ائمه هم اگر بیمار می‌شدند، طبیب بالای سرشان می‌آمد. امامان به ما نقشه راه زندگی و اخلاق یاد دادند تا سعادت دنیا و آخرت نصیب‌مان شود. متأسفانه برخی افراد خرافات را با دین مخلوط می‌کنند. از برخی وعاظ کله دارم که چرا بدون ماشات، تکلیف این افراد را روشن نمی‌کنند و اعلام برائت نمی‌کنند تا تشیع ضربه نخورد؟ من به‌عنوان یک شهروند عادی، سواد و توان مقابله با این حرف‌ها را ندارم و خوب است مراجع دینی ورود پیدا کرده را من در ایام محرم و صفر چقدر شعرها و مرثیه‌ها سطحی شده‌است! ملودی‌هایی که کاربرد دیگری داشتند و برای مجالس شادی استفاده می‌شوند در این ایام هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. این‌گونه پیش برود متأسفانه با دست خودمان شأن عاشورا پایین آورده می‌شود. امسال جایی بوم و از شنیدن لحن سطحی یک نوحه تأسف خوردم و گریه‌ام گرفت! قبلاً در محرم و صفر، گاهی برای دل خودم نوحه‌خوانی می‌کردم اما نوحه‌خوان نیستم. نوحه‌خوان‌های حرفه‌ای، آموزش می‌بینند. وقتی که یک مداح یا روضه‌خوان حرفه‌ای در کارش صرف کرده را من در رشته خود گذاشتم. البته این علاقه خیلی جا‌ها به کم‌کم آمده‌است و از صدایم روی صحنه استفاده کردم. این داشته‌ای است که من آن را با خود از هیات‌های عزاداری آوردم و روی صحنه خرجش کردم.

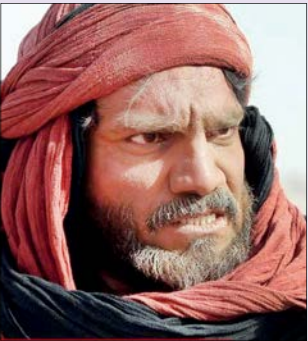
وفادار به تاریخ با چاشنی درام

نگاهی که آقای میرباقری در جایگاه کارگردان به حرم‌له داشتند، گریم این شخصیت را شکل داد. پادم می‌آید آن زمان چهار پنج مدل تست گریم انجام دادیم و همه آنها حدوداً بالای ۱۰ساعت طول کشید. مثلاً من ۸صبح زیر دست زنده‌یاد ولدبیگی می‌نشستم و کار ۶عصر تمام می‌شد. آقای میرباقری از گریم یکی مانده به آخری خوش‌شان آمد ولی گفتند چشم‌هایش هنوز مثبت است. مرحوم ولدبیگی با آقای اسکندری مشورت کردند و تصمیم گرفتند قطعه‌ای را روی ابروهایم بچسبانند تا محو شوند، چشم‌ها عقب‌تر بروند و پیشانی‌ام جلوتر بیاید. موها را هم به روی دست‌انم اضافه کردند. هر کارگردانی از زاویه خودش به یک شخصیت نزدیک می‌شود و این ممکن است باب میل همه نباشد. گاهی با بعضی از مردم مواجه می‌شوند که می‌گویند در فلان کتاب گفته حرم‌له جور دیگری مرده است. من پاسخ می‌دهم تیم تحقیقاتی سریال مختارنامه صدا کتاب خوانده، کتابی که شما می‌گویید هم جزوش بوده و در نهایت به این نگاه رسیده‌است. اساساً در درام آن هم در درام تلویزیونی که با مخاطب عام مواجه هستی، کارگردان می‌تواند به کلیات تاریخ وفادار باشد اما تعدیلاتی ایجاد کند.

شمر رستاخیز بودم

من فیلم «رستاخیز» را بعد از مختارنامه بازی کردم. البته هنوز سریال مختار پخش نشده‌بود. آقای درویش فقط می‌دانست من نقش حرم‌له را بازی کردم اما دیدی نسبت به آن نداشت. آقای محسن موسوی، طراح گریم رستاخیز که برای این کار سیمرغ گرفتند، گریم من را به عنوان بازیگر نقش «شمر» طراحی کرد. گریم خیلی خوبی بود اما تا ۷۰ درصد به حرم‌له نزدیک شد. یک عکس از گریم حرم‌له به آنها نشان دادم. آقای درویش و موسوی نگاهی به همدیگر کردند و گریم شمر را کاملاً تغییر دادند. شمر چند سکانس خوب دارد اما در حاشیه قصه است و از زاویه دید او به کر بلا نگاه نشده‌است.

هر دو نقش شمر و حرم‌له را در کارنامه‌ام دوست دارم و برایم افتخاری است که کنار دو ابر کارگردان سینمای ایران کار کردم. افسوس آقای درویش ۱۰سالی است کار نمی‌کند؛ این حسرت برای من به عنوان بیننده کارهای ایشان وجود دارد.



لباس اولیا و اشقیا را پوشیدم

روی صحنه تئاتر تقریباً نقش همه اشقیا را از زمان صدر اسلام تا خیلی بعد از آن، بازی کردم. البته نقش‌هایی از سپاه امام حسین (ع) را هم داشتم. دو سال پیش در نمایش «غریبه‌شام» به کارگردانی کوروش زارعی و نویسندگی حسین فدایی حسین بازی کردم که آنجا در چند صحنه شبیه پوش قمرینی‌هاشم و پنج صحنه هم بازیگر نقش شمر بودم. می‌شود گفت در یک نمایش به صورت جدا نقش اولیا و اشقیا را داشتم. بدنی که به عنوان بدن آقااباعبد... حسین در سکانس‌های عصر عاشورا زیر سم اسبان در سریال مختارنامه می‌ببید؛ قالبی است که آقای اسکندری از بدن من گرفتند. در رستاخیز هم شبیه‌پوش امام حسین را بازی کردم. یک روز در آمدم و گفتند آقای درویش کارت دارد. اول فکر کردم سکانسی از شمر باقی مانده‌است اما آقای درویش گفت لباس‌های شبیه‌پوش را تن کن و در این سکانس جنازه‌های روی زمین را بلند کن. ظاهر بدلی که آورده بودند زورش نرسیده بود این کار را انجام دهد و من با افتخار شبیه‌پوش شدم. در سریال مختارنامه همه کارها اعم از تیراندازی و... را خودم انجام دادم و بدل نداشتم. چون درشت هیکل هستم سخت است بدلی مشابه جایم بگذارند.

چه خبر از «سلمان فارسی»؟

حدود دو سال پیش، قبل از کلید خوردن سریال «سلمان فارسی»، آقای حامد میرباقری که الان دستیاری آقای داوود میرباقری را انجام می‌دهند، با من جلسه‌ای داشت و گفت بابا نقش خیلی خوبی را در این سریال برایت در نظر گرفته‌است. کل صحبت ما همین بود و از زمان کلید خوردن پروژه خبری نشد و من هم مثل بقیه اخبار آن را از طریق رسانه‌ها دنبال می‌کنم. شنیده‌ام سه فاز است و هر فاز بازیگران متفاوتی دارد. شاید قسمت من باشد که در فازهای دیگر انجام وظیفه کنم.

تکلیف «حکم رشد» چیست؟

قرار بود در سریال نمایش خانگی «جیران» بازی کنم که با سریال «حکم رشد» به نویسندگی و کارگردانی سعید نعمت... تداخل زمانی پیدا کرد. به رغم میل باطنی‌ام هماهنگی لازم ایجاد نشد. در جیران نقش اصلی منفی داشتم و در سریال حکم رشد هم یک شخصیت خاکستری و لمپن را بازی می‌کردم که نقش اول بود. میان این دو، حکم رشد را انتخاب کردم. برای بازی در این سریال، مجموعه‌ای از آقای شیخ طادی، مینی سریالی از آقای داریوش جهانگیری و یک سریال تاریخی از کشور لبنان را هم رد کردم. از این طرف حکم رشد با اجحاف و بدون توضیح، بعد از حدود ۲۰ جلسه تصویربرداری ملغی شد. در این مورد گله دارم و تظلم می‌کنم. هیچ دستمزدی به ما ندادند. من در مقابل ظلم ساکت نمی‌مانم. این را هم بگذارید پای آموزه‌هایی که از آقااباعبد... دارم. یا معذرت خواهی کنند و توضیح دهند یا به طریق دیگری رضایت خاطر گروه را جلب کنند.

ساکت بنشیند و باید بی‌گناهی خودش را به اثبات برساند. او زنی را که به واحد مبارزه با جرایم رفته و در مورد او شهادت دروغ داده، پیدا می‌کند و بعد هم با سرخ‌هایی که به دست می‌آورد، وارد یک کشتی بزرگ مسافربری می‌شود.

